



# دیدارشناسی و دیدارشناسی

کوگیتو «من می‌اندیشم، پس هستم» گزاره دیرآشنای دکارت که حتا گاه در ساحت های غیر فلسفی نیز شنیده می‌شود، بیانگر اساس تأملات دکارت، یعنی معرفت و آگاهی است. مقوله بسیار مهم و بغرنجی که از یونان باستان ذهن اندیشمندان سترگی چون افلاطون را به خود مشغول ساخت و در قالب نظریه مثل نمودار شد تا فیلسوفان مسلمانی چون فارابی، ابن سینا، سهروردی، میرداماد و ملاصدرا که در مبحث وجود ذهنی متجلی گشت و تا فیلسوفان معاصر غربی مانند دکارت، کانت، هگل، ... و ادموند هوسرل، بنیانگذار مکتب پدیدارشناسی (phenomenology).

شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که اوج تلاشهای فیلسوفان غربی در حوزه معرفت شناسی در دو رهیافت پدیدارشناسی هوسرلی و پدیدارشناسی هیدگری شکل گرفته است.

به گمان قوی، شیستوف فریدریش اوتینگر، نخستین کسی است که در سال ۱۷۳۶ م واژه «فنونولوژی» را به کار برد. او بر آن بود که پدیدارشناسی، مطالعه نظام الهی حاکم بر روابط میان محسوسات و موجودات مادی است. بعدها یوهان هاینریش لامبرت، در کتاب *Neues Organon* آن را در نمودهای بنیادین دانش‌های تجربی استعمال کرد [ر.ک: زمینه و زمانه پدیدارشناسی، صص ۸۴ - ۵۸] هگل و کانت نیز از جمله متفکرانی بودند که در تبیین نظام فکری خود از این واژه بهره مند شدند.

اما هوسرل که در پی راهیابی به چیستی و ذات پدیده‌ها نه از راه حس و برهان، بل از طریق کشف و شهود بود، فنونولوژی را در معنایی جدید که پیشینه‌ای نداشت به کار برد. او در عین پایبندی به توصیف پدیدارها، در پی دست یابی به چیستی آنها و ارائه فلسفه به مثابه دانشی یقینی بود. پدیدارشناسی هوسرلی، به معنای توصیف پدیدارها آن گونه که در نخستین شهود نمودار می‌شوند و سپس کشف چگونگی این ظهور و فرا رفتن از آن به ظهوری عام، مطلق و غیر شخصی است.

خوشبختانه از او آثار متعددی به یادگار مانده که عمده آنها متن ویراسته سخنرانی‌هایش می‌باشد. متأسفانه بیش از ۴۰۰۰۰ صفحه از نوشته‌هایش تا زمانی که در قید حیات بود، چاپ نشده باقی ماند و همین باعث شد آموزه‌هایش تا مدت‌ها ناشناخته ماند و آشنایان با اندیشه‌هایش در تفسیر آنها دچار اضطراب و اختلاف شوند. شاید علت دیگر تأویل‌ها و تفسیرهای گوناگون و متکثر پدیدارشناسی هوسرلی آن باشد که او خود پیوسته در حال باز بینی و بازنگری آثار و اندیشه‌هایش بود. بی تردید حتا آخرین کتابش یعنی تأملات دکارتی را که در اوج پختگی نوشته نمی‌توان به عنوان قطعی‌ترین اندیشه‌هایش دانست و چه بسا اگر زنده بود در آن تأملات نیز تأمل می‌کرد.

او همانند بسیاری از فیلسوفان و خرد ورزان صاحب نام و تأثیرگذار در حیات علمی خود پیوسته دچار قبض و بسط و فراز و نشیب بود. هوسرل گر چه خود را وامدار دکارت می‌دانست، اما بیش از همه از دو شخصیت معاصر خویش تأثیر پذیرفت: کارل اشتراوس (Karl Weierstrass) و فرانز برنتانو (Franz Brentano).

برخی از کسانی که با اندیشه‌های هوسرل انس و الفت دارند، چهار مرحله را برای حیات علمی او به تصویر می‌کشند:

۱. روان شناسی ریاضی: هوسرل همچون دکارت شیفته ریاضیات بود و از دنیای ریاضی پای به جهان لایتناهای فلسفه گذاشت. اما رویکرد او به ریاضیات، متفاوت از رویکرد بزرگان منطق و ریاضی بود. او از منظری روان شناسانه

به جهان اعداد می‌نگریست. از این رو فرگه انتقادات شدیدی به کتاب فلسفه حساب او - که در سال ۱۸۹۱ منتشر شد - وارد کرد.

۲. رئالیسم منطقی شبه افلاطونی همراه با پدیدار شناسی رئالیستی: این مرحله در واقع مرحله شکل‌گیری پدیدار شناسی هوسرلی یا پدیدارشناسی اولیه هوسرل است. در این دوران که در کتاب پژوهش‌های منطقی وی متجلی می‌شود، او رویکرد روان‌شناسانه به منطق و ریاضیات را مورد انتقاد قرار داد و حوزه مطالعات خود را به زبان شناسی، وجود شناسی و معرفت شناسی نیز گسترش داد و در نهایت به نظریه مشابه نظریه مُثُل افلاطونی دست یازید.

۳. پدیدار شناسی استعلایی: در این مرحله، اندیشه هوسرل دچار تحولی شگرف شد. او پدیدار شناسی را بر اساس ساختار استعلایی نئو کانتی بنیان نهاد. بدین ترتیب، شرایط امکان معرفت و شناخت را تنها در آگاهی محض جست و جو کرد. کتاب‌های ایده‌های اول و تأملات دکارتی مربوط به این دوره اند.

۴. پدیدارشناسی اصالت وجودی: در این مرحله او به واقعیت اجتماعی جهان توجهی خاص کرد. چه بر این باور بود که «من» یا اگو، در جهان زندگی روزمره متولد می‌شود. جایی که من با دیگران زندگی می‌کند و ما با یکدیگر جهان را آن گونه که می‌شناسیم، می‌سازیم.

هندسه معرفتی او در عین بغرنج بودن و با تمام پیچیدگی‌ها و دیربایی‌هایش، جذّاب و تأثیرگذار است. تأثیر اندیشه‌های وی بر مکاتب فلسفی آمریکای لاتین، اروپای غربی و حتی روانشناسان اروپایی انکارناپذیر است. بنابراین، این ادعا گزاف نیست که بگوییم، فهم فلسفه معاصر، بدون

فهم پدیدارشناسی هوسرل ممکن نیست. از این روست که پدیدارشناسی پدیدارشناسی یکی از ضرورت‌های بدیهی برای تمامی پژوهشگران حوزه فلسفه به شمار می‌آید.

### کتاب ماه فلسفه با وقوف به

اهمیت و جایگاه این اندیشمند سترگ، درصد درآمد تا در حد بضاعت اندک خود، با فراهم آوردن این ویژه‌نامه، برای ورود به جهان اندیشه‌گی وی، روزانه‌ای هر چند کوچک در برابر دیدگان دانشجویان فلسفه بگشاید.

آب دریا را اگر نتوان کشید  
هم به قدر تشنگی باید چشید